



خیابان برای همه است

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد با عذرخواهی از مردم و همایون شجریان به‌دلیل لغو اجرای او در هفته وحدت، توضیح داد: «خیابان برای همه است، فضای عمومی برای همه است. اعتماد به مردم جمع کثیرتری را برای ایران پای کار می‌آورد. هرجا که مردم را پشت‌سر خود داشتیم، پیروز بودیم.» او همچنین بیان کرد: «این برنامه با هدف ایجاد نشاط اجتماعی و عمومی‌سازی فرهنگ برنامه‌ریزی شده بود، اما با وجود نام‌نگاری‌های متعدد و صدور مصوبه از شورای امنیت کشور، عملی نشد.» معاون هنری وزیر ارشاد گفت: «در این روزهای دشوار، هنر باید محور و نخ تسبیح ایران باشد. همه باید برای ایران، پای کار بیاییم و به نام‌ها و جزئیات فکر نکنیم. کسانی که می‌گویند باید به مردم اعتماد کرد، درست می‌گویند؛ زیرا ما از نادیده گرفتن بخشی از مردم آسیب دیده‌ایم.»



واکنش‌ها به مرگ جور جیو آرمانی

دو روز بعد از اعلام خبر فوت جور جیو آرمانی؛ طراح سرشناس و نماد مای‌ایتالیا، در سن ۹۱ سالگی، ادای احترام و واکنش‌های جهانی به این طراح نامدار دنیای مد همچنان ادامه دارد. سیاستمداران و مقامات رسمی ای‌تالیا، از نخست‌وزیر تا رئیس‌جمهور این کشور، اورا نمادی از شکوه، خلافت و اصالت «ساخت ای‌تالیا» دانستند. غول‌های صنعت مد همچون والتینوو و دوناتلا ورساچه نیز از او به‌عنوان دوستی وفادار و استادی بی‌رقیب یاد کردند. برنده‌ای بزرگ بین‌المللی نیز مرگ او را پایان دوره‌ای از نسل طلایی طراحان پس از جنگ جهانی دوم توصیف کردند. در دنیای سینما، ستارگانی چون جولیا رابرتس، میشل فیفر، لئوناردو دی‌کاپریو و راسل کرو، یاد و خاطره همکاری با آرمانی را گرمی داشتند و او را خالق سبکی بی‌زمان خوانده‌اند. آرمانی در سال ۱۹۷۵ به‌همراه شریک‌اش، برنارد آرمانی را بنیان گذاشت و به‌سرعت شهرت جهانی یافت.



اعتراض سن سباستین به نسل‌کشی در غزه

هفتادوسومین دوره فستیوال سن سباستین با صدور بیانیه‌ای رسمی، اقدامات دولت اسرائیل را در ارتکاب به نسل‌کشی در غزه محکوم کرد. در بیانیه‌ای که هم‌زمان با برگزاری نشست خبری اعلام جزئیات و برنامه‌های افتتاحیه جشنواره سن سباستین منتشر شد، از دولت اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به‌تندی انتقاد شده است. سن سباستین سابقه طولانی در حمایت از دموکراسی و نمایش فیلم‌های سیاسی دارد. هیئت‌دوران اصلی فستیوال به ریاست جی‌ای، بایونا و حضور ستارگان بین‌المللی، زمینه‌ای فراهم کرد تا فستیوال ضمن پرداختن به آثار سینمایی، صدای اعتراض هنرمندان به خشونت و نسل‌کشی در غزه نیز منعکس شود. انتظاری می‌رود کارگردانی چون ژولیت بینوش، ریچاردلینکلیر، اولیویه‌آسیاس و والترسالس و ستارگانی چون کالین فالر، جنیفر لارنس و مت دیلون در جشنواره سن سباستین که از ۲۸ شهریورماه شروع می‌شود، حضور داشته باشند.



مقاومت در عصر تکنوساینس

چرا وضعیت کنونی ما نیاز به بازنگری جدی و اتخاذ تصمیمات مهمی دارد؟



مولفه دیگر قدرت، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی حاکمیت به‌شدت آسیب‌دیده است و از این جهت قدرت حاکمیت تضعیف شده است. برای مقاومت در برابر بحران‌های داخلی و نیز هجوم خارجی باید سرمایه اجتماعی حاکمیت را تا بالاترین حد ممکن افزایش داد تا اعتماد عمومی و به‌دنبال آن همبستگی ملی بیشتر شود. سرمایه اجتماعی حاکمیت هنگامی افزایش پیدا می‌کند که مردم احساس کنند حاکمیت از آنها و در خدمت آنها و در مسیر توسعه، تعالی و پیشرفت کشور است. لذا آینده‌ای بهتر و امیدوارکننده‌تر در انتظار آنهاست. افزایش سرمایه اجتماعی منوط به همراهی و توجه به خواست اکثریت جامعه و رعایت حقوق اقلیت‌هاست. برگزاری انتخابات آزاد با مشارکت‌دادن حداکثری مردم، آزادی مطبوعات، آزادی و حمایت قانونی از سمن‌ها، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، برگزاری فریاد دوم در موارد مهم اختلافی و نظایر اینها می‌تواند اعتماد جامعه به حاکمیت را به‌شدت افزایش دهد و حاکمیت را در برابر حمله‌ها و فشارهای خارجی بسیار قوی‌تر و در حل مشکلات و غلبه بر ابربحران‌ها و بحران‌های داخلی بسیار تواناتر کند. افزایش سرمایه اجتماعی در دسترس‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و درعین حال موثرترین وجه افزایش قدرت است.

❖ شرط امکان برخورداری از قدرت تکنوساینس

وجه دیگر قدرت، قدرت علمی و تکنولوژیکی است. امروزه دیدگاه‌های غیر علمی و غیرکارشناسانه، شبهه‌علمی و حتی ضدعلمی آفت بزرگی در شیوه رایج در حکمرانی ماست. لازم است این شیوه تغییر کند زیرا موجب تضعیف قدرت ملی ما در شئون گوناگون شده است. حاکمیت در جهان کنونی اگر متکی به قدرت علمی و تکنولوژیک نباشد، به‌شدت ضعیف خواهد ماند و حتی توان بقای خود را از دست خواهد داد. اما پرسش بسیار مهم این است که چگونه می‌توان از مولفه قدرت علمی و تکنولوژیک بر خوردار شد؟ نگاه رایج به علم، نگاه ابزاری است. در این نگاه که حاکمیت ما نیز در آن شریک است، علم و تکنولوژی مدرن صرفاً ابزاری است که می‌توان آن را در اختیار گرفت و در جهت اهداف خویش به کار برد و این ابزار نیز کاملاً به فرمان ماست و ما را به مقاصد ازپیش‌تعیین‌شده خویش می‌رساند. براساس همین نگاه است که می‌پنداریم، می‌توان به علم و نهادهای علمی و دانشمندان دستور داد که در جهت و برای نیل به خواسته‌های ازپیش‌تعیین‌شده ما تحقیق و پژوهش کنند و به نتایج مطلوب و موردنظر ما برسند. براساس این نگاه ما به‌عنوان سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌نویسان و مجریان هویتی مستقل از علم داریم اما در بهترین حالت می‌خواهیم از علم در جهت رسیدن به مقاصد خویش استفاده کنیم. در این وضعیت نظام حکمرانی نظامی علمی و تکنولوژیک نخواهد شد و از علم و تکنولوژی هم بهره‌ای از قدرت به حاکمیت نخواهد رسید و پراکندگی و بی‌نظمی تبدیل به نظم و سامان مطلوب نخواهد شد. برخلاف این پندار رایج، نه علم و نه تکنولوژی مدرن، ابزارهایی در دستان ما نیستند که به هر نحو بخواهیم آنها را به کار بگیریم و هرگونه تصرفی بتوانیم در آنها کنیم یا با آنها هرگونه تصرفی در هر جایی به‌عمل آوریم. با برقراری نسبت ابزاری صرف با علم، علم اثرگذاری مطلوب خود را نخواهد داشت زیرا در این نسبت علم، امری انتزاعی تلقی می‌شود. انتزاعی به این

و واجد روابطی عادی با کشورهای دیگر به‌ویژه آنان که متحد و شریک اصلی نظام قدرت جهانی هستند، شویم. راه دیگر، تسلیم است به این معنا که به همه شرایط نظام سلطه تن در دهیم. خواسته آنها ازبزن‌رفتن صنعت هسته‌ای، محدودیت شدید موشکی و نهایتاً انحلال نیروهای نظامی، سپس عقد قراردادهای نفتی و گازی و معدنی به‌نفع قدرت‌هاست. مشخص است که راه تسلیم خسارت محض است و از پی آن جز تعمیق فقر، تشتت اجتماعی و حتی تجزیه، حاصلی به‌دست نخواهد آمد و بالاخره راه چهارم، راه مقاومت است.

اگر نه توان تقوq بر نظام سلطه جهانی از طریق نظامی یا طرق دیگر داریم، نه امکان همزیستی به ما می‌دهند و نه تسلیم می‌توانیم شد؛ تنها راهی که باقی می‌ماند راه مقاومت است. اما اگر چه ما در سال‌های اخیر بسیار شعار مقاومت سر داده‌ایم اما کمتر به آن اندیشیده‌ایم و به چیستی و شرایط امکان آن فکر کرده‌ایم. مقاومت چیست و چگونه امکان‌پذیر است؟ مقاومت، ایستادگی در برابر قدرت است. هر جا قدرت هست، مقاومت هم هست. ولی درعین حال لازمه مقاومت هم داشتن قدرت است. بنابراین برای ایستادگی و مقاومت باید قدرتمند بود و برای قدرتمندشدن باید مولفه‌های قدرت را بشناسیم و در تحقق آنها بکوشیم.

❖ مولفه‌های قدرت در جهان تکنوساینس کنونی

جهان کنونی، جهان تکنیک و تکنوساینس است و به‌معنایی همه قدرت خود را از تکنیک به‌معنای مدرن آن اخذ می‌کند و تکنیک است که آن را راه می‌برد. چنانکه گویی همه چیز در خدمت تکنیک است. در این جهان قدرت واجد مؤلفه‌های متعددی است که به هشت‌مؤلفه آن اشاره می‌شود: ۱- قدرت دیالوگ و گفت‌وگو ۲- قدرت سرمایه اجتماعی ۳- قدرت علم و تکنولوژی ۴- قدرت اقتصادی ۵- قدرت مدیریت و برنامه‌ریزی ۶- قدرت نظامی ۷- قدرت دیپلماسی و تنظیم روابط بین‌الملل و ۸- قدرت رسانه‌ای.

اگر بخواهیم در جهان پرآشوب و ناپایدار کنونی پایدار بمانیم و کشور و تمدن هزاران‌ساله‌مان به‌اضمحلال و نابودی دچار نشود، باید مقاومت کنیم. مقاومت اما نه با شعار، هیجان و احساسات صورت می‌پذیرد و نه با تفاخر صرف به گذشته ملی یا دینی یا تلقی‌ای از هر دو. مقاومت گر چه مستلزم خودباوری، اعتمادبه‌نفس، تکیه بر مورث تاریخی و فرهنگی و استمداد از سنن، ارزش‌های دینی، حماسی و تاریخی است اما این‌همه اگر صرفاً گذشته‌نگر باشد و روی به‌سوی وضعیت کنونی و آینده نداشته باشد، به کار مقاومت نخواهد آمد که چه‌سا مایه سستی و غفلت نیز گردد.

❖ سرمایه اجتماعی مولفه کم‌هزینه و پرسود قدرت

در جهان مدرن و پسامدرن کنونی باید قدرتی از سنخ قدرتی که ما را تهدید می‌کند، یافت. گفت‌وگو (دیالوگ) می‌تواند هم در عرصه داخلی، هم در حوزه روابط خارجی قدرت نرم ما را افزایش دهد. برای این منظور باید آداب، فنون پیش‌فرض‌ها و لوازم گفت‌وگو را به‌خوبی بشناسیم. امروزه امنیت ملی ما در گرو گفت‌وگو با نسل‌های جوان با زنان با اقلیت‌ها با اقوام و به‌طورکلی با دیگری است. در عرصه بین‌المللی نیز باید همواره در گفت‌وگو و دیالوگ را باز بگذاریم تا توان اسدلال و عقلانیت خویش را در جهت تأمین منافع خویش به دیگران نشان دهیم.



محمدجواد صافیان

دانشیار فلسفه دانشگاه اصفهان

وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ما هر روز حادث‌تر می‌شود. برخی صاحب‌نظران سال‌هاست که از ابربحران‌ها می‌گویند و می‌نویسند. امروزه ابربحران‌ها دیگر «هشدار» نیست؛ واقعیتی است که نتایج آن در زندگی روزمره عیان است و جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نگذاشته است. به ابربحران‌های زیست‌محیطی، آب، سرمایه اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، انرژی، تورم و... پس از جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، بحران امنیتی و موجودیتی جدی هم افزوده شده است. هرکدام از این ابربحران‌ها به تنهایی برای آسیب‌رساندن جدی به کشور کافی است. اما امروزه با همه آنها یکجا مواجه‌ایم و لذا با وضعیت فوق‌العاده خطیری روبه‌رو هستیم که اگر تهدید بحران‌ها را نتوانیم از سر بگذرانیم چه‌بسا تمدن چندهزار ساله خویش و وحدت سرزمینی‌مان را از دست خواهیم داد. شوربختانه امروزه سیاست و سیاست‌گذاری در کشور ما از قوت، نشاط و اراده لازم و کافی جهت حل مشکلات ناشی از ابربحران‌ها برخوردار نیست. یکی از علل اصلی آن نیز عدم‌هماهنگی، توافق و انسجام در نهادهای اصلی تسلیم‌سازی و تصمیم‌گیری است؛ به‌نحوی که در بسیاری موارد نه‌تنها اجماعی در خصوص علل بحران‌ها وجود ندارد حتی گاهی در به‌رسمیت شناختن برخی بحران‌ها نیز اجماعی وجود ندارد، چه رسد به راه‌حل‌های احتمالی آنها.

حال پرسش این است که برای راهی‌ای از ابربحران‌ها و علاوه بر آن تهدیدهای خارجی، چه می‌توان کرد؟ برخی راه‌حل بحران‌ها را در ایجاد رابطه با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانند و گمان می‌کنند که به‌صرف چنین رابطه‌ای مشکلات مزمن ناشی از ابربحران‌ها حل خواهد شد و مسیر توسعه هموار خواهد گردید. در مقابل، گروهی دیگر بر عدم‌وابستگی تأکید می‌کنند و بر آن‌اند که با تکیه بر تعهد و تخصص نیروهای وفادار به نظام و با تأکید بر ارزش‌های دینی و دانش بومی می‌توان بر همه مشکلات فائق آمد و آینده‌ای درخشان برای کشور رقم زد. به نظر می‌رسد هر دو راه‌حل ساده‌اندیشانه و تقلیل‌گرایانه است. امروزه بخواهیم یا نخواهیم نظام ما و به‌تبع آن کشور در تقابل با نظم جهانی قرار گرفته است. حال پرسش این است که باتوجه به این وضعیت چه می‌توانیم بکنیم؟ به نظر می‌رسد چهار انتخاب روی ما گشوده است: ۱- تقابل نظامی ۲- همزیستی ۳- تسلیم ۴-مقاومت. انتخاب اول این است که به مقابله نظامی با آمریکا و اسرائیل بپردازیم و همه امکانات کشور را در این راه بسیج و هزینه کنیم. این راه به روشنی راه خطرناکی است زیرا کشور ما در هیچ حالتی توان مقابله نظامی با همه نظام سلطه را ندارد، گر چه در مقام دفاع می‌تواند و باید تا حد توان در برابر متجاوز ایستادگی کند و در این جهت باید همه آمادگی‌های لازم را کسب نماید. در دوم، راه همزیستی مسالمت‌آمیز با کل جهان است. این راه امروزه و در شرایط کنونی بر ما گشوده نیست؛ زیرا نظام قدرت، چنین فرصتی را به ما نمی‌دهد و به‌راحتی نخواهد گذاشت در عین استقلال سیاسی و دارا بودن توان دفاعی، فشار تحریم‌ها برداشته شود

علم در صورتی موجب افزایش قدرت حاکمیتی و ملی خواهد شد که به آن نه به عنوان کالایی خریدنی، تزیینی، مصرفی بلکه چونان راهبری حاکم بر تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، مدیریت اجرایی و روابط بین‌سازمانی و بالاخره مرجع نهایی حل و فصل اختلاف‌ها نگریسته شود . اما، فقط در صورتی چنین خواهد شد که علم در خانه هستی ما سکونت گزیند و به تعبیری دیگر امری نه افزوده بر ما که متحد ما گردد. اگر چنان نسبتی با علم برقرار کنیم علم منشأ اثر خواهد شد و قدرتی به ما خواهد بخشید که در جهان علم و فن سالار کنونی بتوانیم تاب بیاوریم و در دره نابودی و تباهی سقوط نکنیم